

قافیه

واژه های قافیه

قواعد قافیه

حروف قافیه

حروف اصلی قافیه

حروف الحاقی

قافیه درونی

ذوقافیتین

درس یازدهم

قافیه

خواندیم که شعر، سخنی خیال انگیز، موزون و سرشار از عاطفه و احساس است.

وزن به شعر، زیبایی می بخشد و آن را اثرگذار می سازد. اگر وزن شعری را برهم بزنیم، خواهیم دید که تا چه میزان از زیبایی و تأثیر آن کاسته می شود. مثلاً شعر:

آب زیند راه را، هین که نگار می رسد مژده دهید باغ را، بوی بهار می رسد

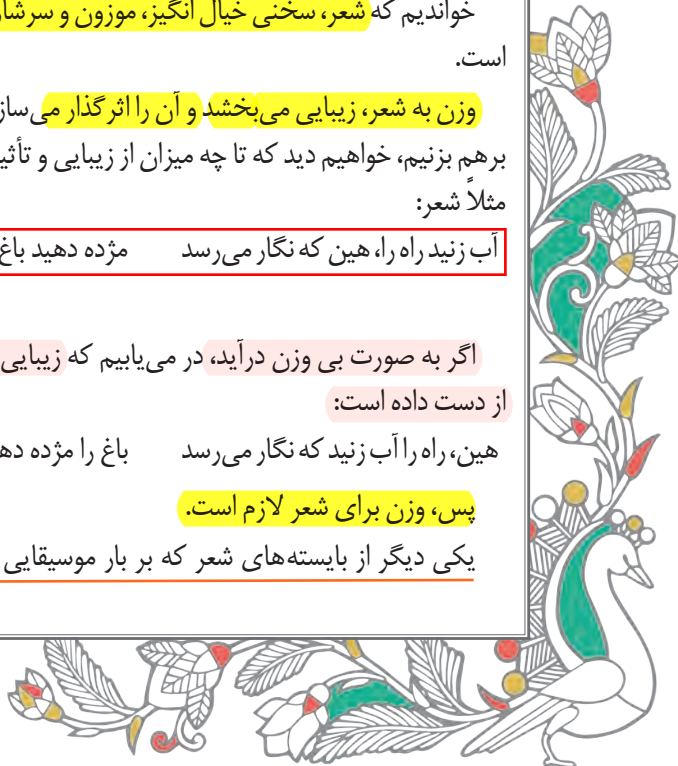
مولوی

اگر به صورت بی وزن درآید، در می یابیم که زیبایی و شورانگیزی اش را از دست داده است:

هین، راه را آب زیند که نگار می رسد باغ را مژده دهید بوی بهار می رسد

پس، وزن برای شعر لازم است.

یکی دیگر از بایسته های شعر که بر بار موسیقایی و خوش آهنگی آن



می‌افزاید، «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

به بیت زیر، توجه کنید:

یارب، سببی ساز که یارم به سلامت باز آید و برهاندم از بند ملامت

حافظ

اگر قافیه آن را تغییر دهیم، به صورت زیر درمی‌آید که زیبایی و خوش آهنگی اول را ندارد:

یارب، سببی ساز که یارم به سلامت باز آید و برهاندم از بند غریبی → قافیه نداریم

همان گونه که می‌بینیم، با آنکه تقریباً همه واژگان یکسان هستند، اما فقط با تغییر واژه‌های قافیه، ضرباهنگ موسیقایی و طنین پایانی سخن را از دست داده‌ایم.

قافیه و ردیف در شعر

شب عاشقان بی‌دل، چه شبی دراز باشد تو بیا کز اول شب، در صبح باز باشد

سعدی

واژه «باشد» در آخر دو مصرع ردیف نام دارد و «دراز» و «باز»، واژه‌های قافیه است.

ردیف: کلمه یا کلماتی است که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنی) تکرار می‌شود.

قافیه: واژه‌هایی است که غالباً در پایان مصراع‌ها آورده می‌شود و حرف یا حروف آخر آنها مشترک است.

حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی است که در آخر واژه‌های قافیه می‌آید. در این شعر:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست

سعدی

«ازوست» ردیف است و «خرم» و «عالم» واژه‌های قافیه و «م» حروف قافیه.

در شعر زیر، «تخت» و «بخت» واژه‌های قافیه هستند و «خت» حروف قافیه.

چنین داد پاسخ فریدون که تخت نماند به کس جاودانه نه بخت

فردوسی



خرم عالم
م





قواعد قافیه

حدّاقل حروف لازم برای قافیه، تابع دو قاعده است:

قاعده ۱: هر یک از مصوّت‌های /ا/، /و/ به تنهایی اساس قافیه قرار می‌گیرند.

در بیت زیر، واژه‌های «رعنا» و «ما» هم قافیه هستند و حرف مشترک آنها مصوّت /ا/ است:

صبا به لطف بگو آن غزال (رعنا) را که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای (ما) را

حافظ

در بیت زیر:

یار بد، مار است هین بگریز از (او) تا نریزد بر تو زهر، آن زشت خو (مولوی)

مصوّت (و) حرف قافیه است.

قاعده ۲: گاهی یک مصوّت با یک یا دو صامت پس از خود، قافیه می‌سازد:

مصوّت + صامت (+ صامت). مانند

کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد؟ یک نکته از این معنی، گفتیم و همین باشد

حافظ

در این شعر «ین» (مصوّت + صامت) حروف قافیه و «حزین» و «همین» واژه‌های قافیه هستند. این الگوی قافیه در شعر فارسی رایج است. در شعر زیر:

کسی دانه نیک مردی نکاشت کزو خرمن کام دل بر نداشت (سعدی)

«نکاشت» و «بر نداشت» واژه‌های قافیه و «اشت» (مصوّت + صامت + صامت) حروف قافیه است.

در این شعر:

نکونام و صاحب دل و حق پرست خط عارضش خوش تر از خط دست (سعدی)

«حق پرست» و «دست» واژه‌های قافیه و «ست» (مصوّت + صامت + صامت) حروف قافیه است.

● **تبصره:** به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آنها لازم است؛

ای پادشاه خوبان داد از غم **تنهایی** دل بی تو به جان آمد وقت است که باز **آیی**
حافظ

ا + یی حرف قافیه است | حرف اصلی (طبق قاعدهٔ ۱) و **یی** حروف الحاقی.

حروف الحاقی عبارت است از:

شناسه‌ها، ضمائر متصل، پسوندها، مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (م، ی، یم، ید، ـند) و «ی» آخر بعضی از واژه‌های مختوم به **ا** و **و** مثلاً در واژه‌های «خدای»، «جای»، «موی»، «بوی».

تذکر: برای پیدا کردن قافیۀ هر شعر ابتدا به سراغ ردیف می‌رویم، سپس واژه‌های قافیه و در آنها اول حروف الحاقی و سپس حروف اصلی را مشخص می‌کنیم. **قدما** آخرین حرف اصلی کلمه را «**روّی**» می‌نامیدند.

توجه: بعضی از شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند (قافیۀ درونی):

مرده بدم **زنده** شدم، گریه بدم **خنده** شدم

دولت عشق آمد و من دولت **پاینده** شدم

دیده **سیرست** مرا، جان **دلیر** است مرا

زهره **شیرست** مرا، زهره **تابنده** شدم

مولوی

گاهی هم شعر دارای دو قافیۀ پایانی (ذوقافیتین) است که قافیۀ اصلی در واژه‌های آخر مصرع‌هاست:

دولت عشق آمد و من، دولت **پاینده** شدم
زهره **شیر** است مرا، زهره **تابنده** شدم
رقتم و سرمست شدم وز طرب **آکنده** شدم
جمع نیم، **شمع** نیم، **دود** **پراکنده** شدم
شیخ نیم، پیش نیم، امر **تورا** **بنده** شدم
کز کرم و بخشش اوروشن **وبخشنده** شدم

مرده بدم **زنده** شدم، گریه بدم **خنده** شدم
دیده **سیر** است مرا، جان **دلیر** است مرا
گفت که سرمست نه‌ای، رو که از این **دست** نه‌ای
گفت که تو **شمع** شدی، قبله این **جمع** شدی
گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری
شکر کند چرخ **فلک**، از **ملک** و **ملک** و **ملک**



طُرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد

داغ و دردی کز تو باشد خوش‌تر است از باغ و وِرد

سعدی

تذکر

شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد؛ مثلاً در این شعر سعدی:

پیوند روح می‌کند این بادِ مُشک بیز هنگام نوبت سحر است ای ندیم، خیز

سعدی

از نظر آوایی واژه‌های «حُضیض، لذیذ، غلیظ» می‌توانند با «مشک بیز و خیز» هم‌قافیه

شوند؛ اما به دلیل اینکه شکل نوشتاری آنها متفاوت است، قافیه کردن آنها درست نیست.

قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو، محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و در اینجا شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌سازد، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

مثال:

از تهی سرشار

جویبار لحظه‌ها جاری است

چون سبوی تشنه کاندرا خواب ببند آب و اندر آب ببند سنگ

دوستان و دشمنان را می‌شناسم من

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را دشمن

وای اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم

که به دشمن باید از او التجا بردن

جویبار لحظه‌ها جاری...

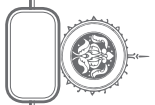
اخوان ثالث



ردیف ← —

قافیه ← ○

هجای آخر کلمات قافیه



خودارزیابی

کلمات قافیه

بی حا هیل
صا حب یل

۱ در بیت زیر حروف قافیه را مشخص کنید.

در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم

گر شکوه‌ای دارم زدل، با یار صاحب دل کنم

ل

رهی معبری

۲ واژه‌های قافیه و حروف مشترک آن را در هر بیت، مشخص کنید.

● بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری ز نم که غصه سراید

ر

حافظ

● نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر، دگر باره جوان خواهد شد

ان

حافظ

● گوهر خود را هویدا کن، کمال این است و بس

خویش را در خویش پیدا کن، کمال این است و بس

ا

میرزا حبیب خراسانی

۳ نوع قاعده قافیه را در هر بیت، مشخص کنید.

● من از دست کمانداران ابرو نمی‌یارم گذر کردن به هر سو

سعدی

۱ قاعده یک

● آب آتش فروز، عشق آمد آتش آب سوز، عشق آمد

سنایی، حدیقه

۲ قاعده دو

● کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را؟ کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟

فروغی بسطامی

۱ قاعده یک

مش ک ف شان

ج وان

ه وی دا

پی دا

۴ در کدام بیت، «ردیف» وجود ندارد؟ دلیل خود را بنویسید.

● روز وصل دوستداران، یاد باد یاد باد آن روزگاران یاد باد

حافظ

روح

جاری

● گلاب است گویی به جویش روان همی شاد گردد ز بویش روان

فردوسی

ذوقافیتین دو قافیه

جناس تام

۵ هریک از اصطلاحات زیر را مقابل بیت مربوط به آن بنویسید.

«قافیه درونی، ذوقافیتین»

● ای از مکارم تو شده در جهان خبر افکنده از سیاست تو، آسمان سپر

رشید و طواط

ذوقافیتین

● گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی هم درد و داغ عالمی، چون پانهی اندر جفا

مولوی

قافیه درونی

● یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا یار تویی، غار تویی، خواجه نگه دار مرا

مولوی

قافیه درونی

۶ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

نشود فاش کسی آنچه میان من و توست

تا اشارات نظر، نامه رسان من و توست

هوشنگ ابتهاج

(الف) ردیف کدام است؟

(ب) واژه‌های قافیه را مشخص کنید.

(پ) حروف و قاعده قافیه را بنویسید. **ان** قاعده دو



۷ شعر زیر را از نظر کاربرد قافیه و کوتاهی و بلندی مصراع‌ها با شعر «مهر و وفا» در کتاب فارسی سروده حافظ، مقایسه کنید.

۱ هر آن که جانب اصل وفا نگد دارد
خداش در حم حسال از بلا نگد دارد
صدت دوست گلویم مگر حضرت دوست
که آشنا سخن آشنا نگد دارد
دلا معاش چنان کن که گر بلنزد پای
فرشتات به دو دست دعا نگد دارد
گرت حواست که مشوق گنجد پیمان
نگاه دار سررشته تا نگد دارد
۵ صبا بر آن سر زلف ار دل مرا بینی
ز روی لطف بگوش که جا نگد دارد
چو گنتش که دلم را نگاه دار، چه گفت؟
زدست بنده چه نیرد، خدا نگد دارد
سر و زر و دل و جانم فدای آن یاری
که حق صحبت مهر و وفا نگد دارد
غبار راهگذارت کجاست تا حافظ
به یادگار نسیم صبا نگد دارد

عاشقم بهار را
رویش ستاره در کویر را
رهنورد دشت‌های عاشقی!
پُر ز باده سپیده باد جام تو
ای که چون غزال تشنه،
آب تازه می خورد
مزرع دلم ز جاری کلام تو
در غبار کام تو
چاره فسونگران و رهنزان
در مُحاق مرگ، رخ نهفتن است
من که تشنه‌ام زلالی از سپیده را
من که جست و جو گرم
سرودهای ناشنیده را،
شعر من که عاشقم
همیشه از تو گفتن است
ای که در بهار سبز نام تو
رسالت گل محمدی
شکفتن است!

سیدحسن حسینی

۸ در هر یک از ابیات زیر:

- (الف) ردیف را مشخص کنید. (اگر دارد)
- (ب) واژه‌ها و حرف یا حروف قافیه را تعیین کنید.
- (پ) حرف یا حرف‌های الحاقی را مشخص کنید. (اگر دارد)
- (ت) حرف یا حروف اصلی قافیه را مشخص کنید.



هجای قافیه → واژه های اصلی قافیه ⇒ حروف الحاقی - واژه های قافیه

حذف صامت اولیه ← از مصوت به بعد ← حروف اصلی قافیه

حروف مشترک قافیه ⇒ حروف الحاقی + حروف اصلی

۹۶

حروف قافیه [ار]

(الف)

● ای نسیمِ سحر آramگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
حافظ

حروف قافیه [سی]

حروف اصلی [س]

[ی] الحاقی

(ب)

● کاشکی جز تو کسی داشتمی یا به تو دست رسی داشتمی
خاقانی

(پ)

● چندان که گفتم غم با طیبیان درمان نکردند مسکین غریبان
حافظ

حروف قافیه [یبان]

حروف اصلی [یب]

[ان] الحاقی

(ت)

● بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
مولوی

حروف مشترک [انم]

حروف اصلی [ان]

[م] الحاقی

